



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

زمان پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۰۳/۱۵

شماره مجوز مجله: ۸۰۴۰۰

بررسی نقش والدین در مدیریت فضای آموزشی فرزندان

الهام زادعباس^۱، فاطمه فغفورریحان^۲، یوسف عابدی قشلاق^۳، عبدالجبار برم^۴

۱- کارشناسی زبان خارجه دانشگاه تبریز

۲- کارشناسی هنرهای تجسمی تربیت معلم فاطمه الزهراى تبریز

۳- کارشناسی امور تربیتی دانشگاه فرهنگیان

۴- کارشناسی علوم تربیتی دانشگاه پیام نور راسک

Elham.zad22@gmail.com

چکیده

وقتی والدین در مدیریت کلاس مشارکت دارند، می توانند به پیشرفت تحصیلی، انگیزه و رفتار فرزندشان کمک کنند. مشارکت والدین همچنین می تواند روابط بین والدین و معلمان را تقویت کند، حس جامعه و اعتماد را تقویت کند و کیفیت آموزش و یادگیری را بهبود بخشد. با این حال، مشارکت والدین در مدیریت کلاس ممکن است با چالش‌ها یا موانعی مانند کمبود زمان، منابع یا مهارت‌ها مواجه شود. تفاوت‌های فرهنگی یا زبانی؛ انتظارات یا باورهای متضاد؛ یا عدم حمایت یا راهنمایی مدرسه. بنابراین، برای مدارس مهم است که با ارائه اطلاعات روشن، راهنمایی، بازخورد و فرصت‌هایی برای مشارکت والدین در آموزش فرزندشان، مشارکت والدین را در مدیریت کلاس تشویق و تسهیل کنند. مشارکت والدین در مدیریت کلاس موضوعی است که به چگونگی حمایت و همکاری والدین با معلمان و مدیران مدرسه در ایجاد و حفظ یک محیط یادگیری مثبت و مؤثر برای فرزندانشان مربوط می شود. این پژوهش به بررسی نقش والدین در مدیریت کلاس درس و رفع مشکلات مشارکت طرفین می پردازد.

کلمات کلیدی: مشارکت، والدین، مدیریت کلاس درس، مشارکت والدین.



مقدمه

یادگیری کار با والدین یا استفاده از مشارکت والدین می تواند تفاوت عمیقی در کیفیت زندگی و فعالیت در کلاس ایجاد کند. به دلایل مختلف، بسیاری از مربیان تمایل چندانی به راه یافتن والدین در برنامه مدیریت کلاس خود ندارند. ممکن است مربیان بپرسند: "چرا باید سعی کنم با والدین کار کنم؟" اما مارزانو و همکاران دلایل زیر را برای مشارکت والدین در مدیریت کلاس ارائه می دهند: مربیان باید نگرش والدین و شرایط خانه را درک کنند، مربیان می توانند اطلاعاتی در مورد خواسته های فراگیران و تحصیلات ارائه دهند، والدین حق دارند از رفتار و عملکرد فرزندان خود در مدرسه و در محیط دور از خانه اطلاع داشته باشند، والدین می توانند منبع ارزشمندی جهت آگاهی یافتن از فرهنگ و سطح درک دانش آموزان باشند، مربیان نمی توانند والدین را در برنامه های مدیریت کلاس خود قرار ندهند زیرا آنها نقش چشمگیری در یادگیری فرزندان دارند، مربیان موفق از دانش، مهارت و رفتار خود برای ایجاد محیط های یادگیری مؤثر در کلاس های درس خود استفاده می کنند، آنها محیط هایی را ایجاد می کنند که فرصت های یادگیری را به حداکثر می رساند، جایی که یادگیرندگان به خوبی مدیریت می شوند و برای یادگیری انگیزه دارند. از آنجا که کلاس گروهی است که درگیر یادگیری، رشد در جهت اجتماعی و ایجاد حس هویت و هدف است، مهم است که مربی به دنبال راه هایی باشد که در آن دانش آموزان در کلاس بتوانند از یادگیری مثبت و محیط اجتماعی لذت ببرند (Marzano et al., 2003).

تعریف اصطلاح والد

قانون مدارس مفهوم "والد" را اینگونه تعریف می کند:

۱. والدین یا قیم یا سرپرست.
 ۲. شخصی که قانوناً استحقاق حضانت فراگیر را دارد.
 ۳. شخصی که متعهد به انجام تعهدات شخص در قبال آموزش فراگیر در مدرسه می شود.
- این بدان معناست که مربی باید آماده همکاری با هر کسی باشد که از یادگیرنده مراقبت می کند، نه تنها با والدین بیولوژیکی و شخصی که زن های او با زن های دانش آموز یکی است (Pretorius and Lemmer, 1998).

حقوق و وظایف والدین

قانون مدارس و قانون آموزش مدرسه (Department of Education, 2002) وظایف زیر را برای والدین مشخص می کند:

الف) حضور فراگیران در مدرسه. هر والدینی باید اطمینان حاصل کند که هر یادگیرنده ای که او مسئولیتش را بر عهده دارد، از سالی که یادگیرنده هفت ساله می شود تا زمانی که یادگیرنده به سن ۱۵ سالگی یا کلاس نهم برسد، در مدرسه ای شرکت کند.

ب) پرداخت شهریه مدرسه. یکی از والدین مسئول پرداخت شهریه مدرسه است که توسط مسئولان مدرسه با مشورت والدین تعیین می شود - مگر اینکه والدین از این پرداخت معاف شده باشند.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

ث) مسئولیت خسارت مالی. والدین یک دانش آموز در یک مدرسه دولتی مسئول هر گونه خسارت یا از دست دادن اموال مدرسه یا ادارات هستند که توسط دانش آموز ایجاد شده باشد. همچنین وظیفه هر یک از والدین است که به دولت و هیئت حاکمه مدرسه برای ترویج فرهنگ احترام به اموال مدرسه کمک کنند.

پ) حق اطلاعات. در صورتی که این اطلاعات مربوط به دانش آموزی باشد که فرزند اوست، هر والدینی حق دسترسی به اطلاعاتی را خواهند داشت که در اختیار اداره، یک مدرسه دولتی یا یک مدرسه خصوصی است.

ت) حق عضویت در اداره یک مدرسه. والدین حق دارند، والدین دیگری را برای نمایندگی در ساختار مدیریت مدرسه انتخاب کنند. آنها همچنین حق دارند به طور منظم از تصمیمات هیئت حاکمه از طرف آنها مطلع شوند.

حکمرانی تنها یک جنبه از رابطه بین مدرسه و خانه است. (Pretorius and Lemmer, 1998) تعدادی از جنبه های دیگر روابط خانه و مدرسه را ذکر می کنند:

ماهیت و هدف مدیریت کلاس

(Pretorius and Lemmer, 1998) مدیریت کلاس درس را فرآیند کار با افراد، گروه ها و منابع دیگر، چه یادگیرندگان، مربیان، کارکنان اداری، والدین یا سایر ذینفعان، برای دستیابی به اهداف کلی آموزشی و نتایج یادگیری خاص تعریف می کنند. مدیریت یک کلاس درس خواسته های زیادی را از یک مربی ایجاد می کند. در واقع، مربی باید مسئولیت کامل مدیریت مؤثر هر اتفاقی را که در کلاس می افتد بپذیرد. این بدان معناست که مربی باید موارد زیر را مدیریت کند:

۱) وظایف (کارهایی که باید انجام شود)،

۲) افراد (یادگیرندگان)

۳) زمان (جدول زمانی، تاریخ های هدف)

۴) منابع (رسانه های آموزشی، پشتیبانی والدین)

(Ramaphakela and Mdhlalose, 2021) مدیریت کلاس درس را به عنوان فعالیت ها و رویه های برنامه ریزی شده، سازماندهی شده ای تعریف می کنند که امکان آموزش و یادگیری مؤثر را فراهم می کند. که دارای مشخصه هایی است که عبارتند از: الف) دروس برنامه ریزی شده و متنوع، ب) رفع حداقل اختلالات و مشکلات انضباط، پ) حل مسئله آرام و کارآمد، ت) دستورالعمل های متمایز برای یادگیرندگان با نیازهای مختلف، ث) روال هایی را برای رفتارهای خاص ایجاد کنند، ج) فضای احترام را ایجاد کنند، ح) ثبات در یادگیری و آموزش.

عموماً پذیرفته شده ترین دیدگاه در مورد وظایف یک مدیر این است که مدیر تصمیم می گیرد چه کاری باید انجام شود و چگونه باید انجام شود، دستورالعمل هایی را می دهد که باید انجام شود و تعیین می کند که آیا انجام شده است یا خیر. در زبان مدیریتی به اصطلاحات برنامه ریزی، سازماندهی، رهبری و کنترل مربوط می شود (Pretorius and Lemmer 1998).

اگرچه این کارکردها به عنوان جنبه های جداگانه مورد بحث قرار خواهند گرفت، اما باید در نظر داشت که آنها در هم تنیده هستند و به هم مرتبط هستند و در عمل همیشه مرزهای مشخصی ندارند.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

ارتباط بین تدریس و مدیریت

در حال حاضر باید مشخص باشد که هدف از مدیریت کلاس، برنامه ریزی، سازماندهی، هدایت و کنترل فرآیند آموزش و یادگیری است به گونه ای که فراگیر حداکثر بهره را از این فرآیند ببرد.

(Doyle, 1986) رابطه بین مدیریت و یادگیری را به عنوان دو هدف توصیف می کند که در یک کلاس درس وجود دارند. مربیان حداقل به دو دلیل کارها را در کلاس های درس خود انجام می دهند. اولاً، آنها می خواهند دستوراتی را انجام دهند. ثانیاً، آنها می خواهند تا حدی بر فراگیران خود کنترل داشته باشند. در واقع، مربیان باید فراگیران خود را به طور مؤثر کنترل کنند تا محیط آموزشی-یادگیری مثبت را تسهیل کنند. (Doyle, 1986) دریافت که در کلاس هایی که رفتار مخرب یادگیرنده اغلب اتفاق می افتد، مربیان موفق کسانی بودند که به جای رفتار، بر برنامه درسی تمرکز داشتند.

حفظ محیط های یاددهی-یادگیری

مربیان رهبران آموزشی هستند. آن ها کارها را پیش می برند، کارها را در حرکت نگه می دارند، یادگیرندگان را ایمن نگه می دارند و عمل تدریس را آنقدر خوب اجرا می کنند که بتوانند واقعاً آموزش دهند و یادگیرندگان را به یادگیری وادار کنند. مربیان باید تلاش کنند تا بهترین موقعیت را ایجاد کنند که در آن فراگیران بتوانند یاد بگیرند و مربیان بتوانند آموزش دهند. از مربیان انتظار می رود که یادگیری را در یک محیط کنترل شده تسهیل کنند. این بدان معناست که مربی باید جریانی از فعالیت ها را هدایت کند که شامل تعاملات بین مربی و فراگیران او می شود (Louisell and Descamps 19۹۲):

مقاومت والدین در برابر مشارکت در مدیریت کلاس درس

امروزه مدارس تحت فشار فزاینده ای برای توسعه استراتژی هایی برای تأمین مشارکت بیشتر والدین قرار دارند. والدین گزارش کرده اند که به دلیل (به ترتیب اهمیت) در آموزش کودکان شرکت نمی کنند.

الف) کمبود زمان، ب) احساس می کنند که چیزی برای کمک ندارند، پ) ندانستن نحوه مشارکت کردن، ت) عدم مراقبت از کودک، ث) احساس ترس، ج) در طول زمانی که مدرسه کارها را ترتیب می دهد در دسترس نباشد، ح) عدم استقبال در مدرسه (Louisell and Descamps 1992). دلایلی را ذکر می کنند که چرا والدین گاهی اوقات درگیر شدن در مدرسه فرزندانشان مقاومت می کنند:

الف) ترس از افشای تعارضات در خانه، ب) وحشت از شکست احتمالی کودک، پ) احساس گناه در مورد فقدان مهارت های فرزندپروری، ت) عدم تمایل به دخالت در کار مربی، ث) اعتقاد به اینکه نمی دانند چگونه شرکت کنند، ج) اعتقاد به اینکه مربی در تلاش است مسئولیت را جابجا کند.

الگویی برای مشارکت والدین

(Bauer and Shea 2003) دریافته اند که برنامه هایی که در آن معلمان در کار با والدین موفق بوده اند دارای تعدادی ویژگی مشترک هستند. این برنامه ها بیشتر بر پیشگیری تمرکز دارند تا درمان. آنها نیاز به کار با کل خانواده و همچنین جامعه را تشخیص می دهند. آنها به خانواده به عنوان یک شرکت کننده فعال در آموزش فرزندان خود تعهد دارند و همچنین به تنوع



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

فرهنگی متعهد هستند. علاوه بر این، برنامه‌های موفق بر نیازهای مبتنی بر قدرت، برنامه‌ریزی مؤثر و ارزیابی مستمر تمرکز می‌کنند و دارای کارکنان انعطاف‌پذیر هستند.

چندین عامل دیگر نیز هنگام کار با والدین ظاهر می‌شوند. موضوع برابری باید مورد توجه قرار گیرد، یعنی اطمینان حاصل شود که تجربیات هم برای والدین با منابع محدود و هم برای کسانی که ثروتمندتر هستند، باز است. داوطلبانه یا غیرارادی بودن مشارکت والدین عاملی است که می‌تواند ماهیت و قصد مشارکت را تغییر دهد. برنامه‌ها باید از کیفیت بالایی برخوردار بوده و از نظر اهداف مشخص باشند. در نهایت، مربیان و سایر متخصصان که با والدین کار می‌کنند باید از نظر فرهنگی حساس و یا حداقل شایسته باشند.

مبادله (Bauer and Shea 2003) چهار مدل اساسی مشارکت والدین را توصیف می‌کند.

مدل اول این مدل "مدل محافظ" نامیده می‌شود. هدف این مدل کاهش تنش بین والدین و مربیان است، در درجه اول از طریق تفکیک کارکردهای آنها و در نتیجه محافظت مدرسه از دخالت والدین. این مدل فرض می‌کند که والدین آموزش فرزندان خود را به مدرسه واگذار می‌کنند و سپس مدرسه پاسخگو است. مشارکت والدین کم است و هیچ ساختاری برای حل مشکلات پیشگیرانه وجود ندارد.

مدل دوم "انتقال مدرسه به خانه". در این مدل مدرسه والدین را در حمایت از اهداف مدرسه به خدمت می‌گیرد. اگرچه والدین شریک برابر نیستند، اما باید انتظارات مدرسه را تایید کنند.

مدل سوم «غنی‌سازی برنامه درسی» در این مدل هدف گسترش برنامه درسی مدرسه با ترکیب مشارکت‌های خانواده‌ها است. فرض بر این است که مربیان و والدین باید برای غنی‌سازی اهداف و محتوای برنامه درسی با یکدیگر همکاری کنند. روابط مبتنی بر اعتماد و احترام است.

مدل چهارم «مشارکت والد و مربی». هدف مدل مشارکت والد و مربی این است که والدین و مربیان با هم کار کنند تا برای همه یادگیرندگان موفقیت به دست آورند. فرض این است که یک مأموریت مشترک مستلزم همکاری بین والدین و مربیان است.

بر اساس مدل چهارم (Bauer and Shea 2003) یک مدل یکپارچه برای والدین درگیر ساختند. این مدل از پنج مرحله تشکیل شده است:

۱. پذیرش و ارزیابی (اولین جلسه)

۲. انتخاب اهداف و مقاصد

۳. برنامه‌ریزی و اجرای فعالیت‌ها

۴. ارزیابی فعالیت‌ها

۵. مرور کردن.

فعالیت‌هایی که از طریق آنها والدین می‌توانند در آموزش فرزندانشان مشارکت داشته باشند را می‌توان به صورت آزاد به شرح زیر دسته‌بندی کرد:

الف) فعالیت‌های اطلاعات دهی، مانند خبرنامه، یادداشت‌های مکتوب و کارت‌های گزارش دوره‌ای، که از طریق آن والدین اطلاعات را منفعلانه دریافت می‌کنند.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

- (ب) فعالیت های اشتراک گذاری اطلاعات، مانند کنفرانس های مربی و والدین، که در آن اطلاعات بین والدین و مربیان به اشتراک گذاشته می شود.
- (پ) حمایت مشترک از برنامه های مدرسه، که در آن والدین با هم برای اجرای اهداف، مقاصد یا فعالیت های آموزشی خاص کار می کنند.
- (ت) همکاری در جامعه مدرسه، جایی که والدین به عنوان مربی داوطلب خدمت می کنند، یا مواد آموزشی را آماده می کنند.
- (ث) آموزش والدین که در آن تلاش می شود دانش و مهارت والدین افزایش یابد.
- (ج) رهبری والدین، سیاست گذاری و تلاش های حمایتی.

برقراری ارتباط موثر

وضوح زبان یا بیان هنگام برقراری ارتباط با والدین ضروری است. بنابراین برای مربیان لازم است که درک کنند که ارتباط در چندین سطح به طور همزمان صورت می گیرد: از طریق بیان کلامی (آنچه می گویند). از طریق زبان بدن (چگونه رفتار می کنند) و از طریق واکنش های عاطفی (چگونه احساس می کنند). هرچه اینها هماهنگ تر باشند، ارتباط بهتر یا واضح تر خواهد بود.

مربیان همچنین باید آگاه باشند که اشکال مختلفی از زبان وجود دارد - توصیفی، استنباطی و ارزشی (Bauer and Shea ۲۰۰۳).

الف) زبان توصیفی به اطلاعاتی در مورد چیزهایی مربوط می شود که ارتباط دهنده با استفاده از حواس خود مشاهده کرده است.

ب) زبان استنباطی الگوهایی را توصیف می کند که شخص از طریق مشاهدات متعدد از آنها آگاه شده است. این شکل از زبان آزمایشی است و از کلماتی مانند "شاید"، "به نظر می رسد" و "به نظر می رسد" استفاده می کند.

پ) زبان ارزشیاب، قضاوت ها و نتیجه گیری ها را به اشتراک می گذارد. آنها می توانند مثبت یا منفی باشند، زیرا به ارزش های گوینده اشاره می کنند.

مربیان باید بتوانند اطلاعات عینی را در مورد فرزندشان به والدین مرتبط کنند (زبان توصیفی)، الگوهایی را که به نظر می رسد از مشاهدات پدید می آیند (زبان استنتاجی) و نتیجه گیری (زبان ارزشیابی) را بیان کنند.

یکی از جنبه های ارتباط که معمولاً نادیده گرفته می شود گوش دادن است. مربیانی که شنوندگان فعال و ماهر هستند، درک خود را از آنچه والدین گفته اند بیان می کنند و برای تأیید و شفاف سازی والدین بازخورد ارائه می دهند. مربیانی که شنوندگان فعالی هستند به پیام اصلی در ارتباط والدین گوش می دهند و خلاصه دقیق و مختصری از لحن کلامی، غیرکلامی و احساسی پیام را به والدین بازگو می کنند.

گوش دادن

از اقدامات موثر جهت برقراری ارتباط با والدین گوش دادن است که باید به صورت فعال صورت بگیرد. معلمان باید به این مهارت آگاه باشند تا علاقه والدین جهت مشارکت در امر آموزش را برانگیزانند. براونل (به نقل از Bauer and Shea 2003)



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

در تمرین گوش دادن فعال، مربیان باید به هر یک از این زمینه ها توجه کنند.

(۱) پیام را کامل بشنوید.

(الف) بر آنچه گوینده می گوید تمرکز کنید.

(ب) کنترل محیط گوش دادن را به دست بگیرید، حواس پرتی را به حداقل برسانید و هر چیزی را که نیاز دارید در دسترس داشته باشید.

(پ) وقتی گوینده شروع می کند آماده باشید - از اولین کلمه توجه کنید.

(ت) شبیه یک شنونده به نظر برسید - بنشینید، به گوینده نگاه کنید و به طور غیرکلامی با علاقه خود ارتباط برقرار کنید.

۲- روی درک پیام کار کنید

(الف) نفس خود را کنار بگذارید. به جای اینکه پاسخ خود را فرموله کنید، به آنچه که شخص می گوید توجه کنید.

(ب) بر رفتار خود نظارت کنید.

(پ) قطع نکنید - جربان فکر گوینده را متوقف می کند و پیگیری پیام را دشوارتر می کند.

۳- پیام را به خاطر بسپارید

(الف) مطالب را به گوینده تکرار کنید.

(ب) آرام بمانید - اگر عصبانی هستید یا استرس دارید، به خاطر سپردن آنچه گفته شده است دشوار است.

۴- پیام را تفسیر کنید

(الف) پیشینه، اهداف و نقش گوینده را در ذهن داشته باشید.

(ب) به ارتباط غیر کلامی گوینده فکر کنید.

(پ) مراقب رابطه بین نشانه های کلامی و غیرکلامی باشید.

(ت) به صدای گوینده توجه کنید.

(ث) شناسایی سطح ارتباط: آیا گوینده نظری را بیان می کند؟ آیا گوینده در حال انتقال احساسات است؟

۵- پیام را ارزیابی کنید

(الف) به اعتبار گوینده فکر کنید.

(ب) سعی کنید خط استدلال گوینده را دنبال کنید.

(پ) شواهد یا فقدان شواهد را در نظر بگیرید.

۶- به پیام پاسخ دهید

(الف) پیام گوینده را منعکس کنید، برای بررسی درک مطلب، بازنویسی کنید.

(ب) بررسی های ادراک ارائه دهید.

(پ) به ارائه یک جو شنیداری حمایتی ادامه دهید.

(ت) از نظر فیزیکی هوشیار باشید، تماس چشمی را حفظ کنید، اما ژست ها و حرکات تصادفی را به حداقل برسانید.



برخی از موانع ارتباط موثر با والدین

- الف) توصیه به جای ارائه پیشنهاد به مربیان.
- ب) دادن تضمین های نادرست.
- پ) پرسیدن سوالات نادرست.
- ت) تغییر موضوع اصلی مورد بحث.
- ث) استفاده از کلیشه ها اجتماعی.
- ج) به حداقل رساندن احساسات.

موانع همکاری و مشارکت

- بالن و مولز (به نقل از Bauer and Shea 2003) چهار مانع اصلی را برای مشارکت والدین پیشنهاد می کنند:
- الف) زمان. عوامل مختلفی مانند تک فرزندی و فشارهای کاری در کمبود وقت نقش دارند.
 - ب) عدم قطعیت. والدین اغلب در مورد اینکه چه کاری باید انجام دهند و اهمیت مشارکت آنها نامطمئن هستند.
 - پ) موانع فرهنگی. ممکن است در زبان یا در برقراری ارتباط با مدارس مشکل وجود داشته باشد زیرا تجربیات و دیدگاه های زندگی بسیار متفاوت است.
 - ت) فقدان محیط حمایتی. مدارس همیشه سعی نکرده اند خانواده ها را پرورش دهند و به ویژه والدین کم درآمد ممکن است در صورت مشارکت نیاز به حمایت داشته باشند. این والدین ممکن است به توجه شخصی، ادبیات و کلاس های مربوط به فرزندپروری و شاید حتی یک مرکز منابع نیاز داشته باشند.

رفع موانع روابط مربی و والدین

- برخی از احتمالات برای رفع موانع روابط مربی و والدین وجود دارد (Cottrell, 2013):
- الف) زمان. با برنامه ها، روزهای هفته انعطاف پذیر باشید. جلسات را به مکان هایی منتقل کنید که برای والدین در دسترس تر است.
 - ب) احساس بی ارزشی. شخصاً از والدین استقبال کنید و راه هایی را بیابید که والدین از استعداد های خود برای بهره مندی از مدرسه استفاده کنند.
 - پ) عدم آگاهی از نحوه مشارکت. یک نظرسنجی بین والدین انجام دهید و از استعدادهای شناسایی شده به نفع مدرسه استفاده کنید.
 - ت) عدم آگاهی از نحوه عملکرد سیستم. یک کتابچه راهنمای حاوی قوانین و رویه ها و پاسخ به سؤالات یا مشکلات معمولی ارائه دهید.
 - ث) مراقبت از کودکان. یک اتاق در دسترس در مدرسه پیدا کنید و از دانش آموزان مسن تر بخواهید که داوطلبانه برای نگهداری از کودک شرکت کنند.
 - ج) زبان. مطالب را با استفاده از زبان انگلیسی در یک طرف و زبان دیگر در طرف دیگر ترجمه کنید.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

چ) تفاوت های فرهنگی. حساسیت خود را نسبت به سایر فرهنگ ها، ارزش ها، نگرش ها و جشن ها و دیدگاه های مدرسه در این زمینه افزایش دهید.

ح) حمل و نقل. از والدین در خانه‌هایشان دیدن کنید یا در مکان‌هایی که برای والدین راحت‌تر است جلساتی برگزار کنید.

خ) حس دعوتنامه های رمزی. به مسائل واقعی بپردازید، به حرف والدین گوش دهید و از ایده های آنها استفاده کنید.

د) احساس ناخواسته بودن. با کارکنان مدرسه همکاری کنید تا همه والدین احساس خوشایندی کنند.

ذ) مقاومت در برابر رهبری رسمی. اطمینان حاصل کنید که همه والدین در برنامه ریزی، سیاست گذاری و حمایت مشارکت دارند.

ر) والدینی که مهارت های سوادآموزی محدودی دارند. برای تماس با والدین از تلفن استفاده کنید.

ز) اسنوبیسم. فعالانه به دنبال شرکت کنندگان جدیدی باشید که نماینده گروه های مختلف فرهنگی، اجتماعی-اقتصادی و مذهبی هستند.

برنامه های موفق مشارکت والدین دارای عناصر مشترک زیر هستند:

الف) آنها خط مشی هایی نوشته اند که به مشارکت والدین می پردازد.

ب) پشتیبانی اداری وجود دارد که شامل داشتن یک مرکز منبع برای والدین و داشتن یک فرد مسئول برای مدیریت برنامه است.

پ) یک رویکرد مشارکتی دنبال می شود که شامل برنامه ریزی مشترک، تعیین هدف و راهبردهای دیگر برای کمک به والدین برای ایجاد حس مالکیت است.

ت) ارتباط دو طرفه به کار گرفته شده است.

ث) آنها شامل فعالیت های ارزشیابی منظم، هم در مراحل کلیدی و هم در پایان سال تحصیلی می شوند.

نحوه مشارکت والدین در مدرسه

(Cottrell, 2013) راه های زیر را پیشنهاد می کنند که از طریق آنها والدین می توانند در مدرسه مشارکت کنند.

نوع فعالیت والدین

الف) مشارکت در مدیریت مدرسه

فعالیت های خاص والدین در این نوع از مشارکت به شرح زیر می باشد:

۱- تصویب برنامه درسی مدرسه .

۲- مشارکت در تدوین خط مشی مدرسه

۳- تهیه و تصویب بودجه مدرسه

۴- ارتباط با جامعه والدین

۵- سازماندهی و اجرای جلسات والدین

۶- مشارکت در جمع آوری سرمایه

ب) مشارکت در کلاس درس یا فعالیت های آموزشی



فعالیت های خاص والدین در این نوع از مشارکت به شرح زیر می باشد:

- ۱- نظارت بر پیشرفت فرزندان
 - ۲- بحث در مورد برنامه درسی
 - ۳- مشارکت در برنامه های خواندن
 - ۴- مشارکت در رشد کودکان با نیازهای ویژه
 - ۵- نظارت بر تکالیف منزل
 - ۶- کمک در کلاس درس
 - ۷- کمک به مطالعه فرزندان
- پ) مشارکت در فعالیت های تامین منابع

فعالیت های خاص والدین در این نوع از مشارکت به شرح زیر می باشد:

- ۱- جذب سرمایه
 - ۲- سازماندهی رویدادهای اجتماعی
 - ۳- کمک به فعالیت های خارج از مدرسه
 - ۴- کمک به وظیفه شهرسازی و گشت های دانش پژوه (ایمنی راه)
 - ۵- همراهی فراگیران در سفرهای میدانی
 - ۶- کمک به وظایف اداری
 - ۷- ترتیب سخنرانی و کارگاه های آموزشی برای والدین
- ت) مشارکت در فعالیت های خانگی

فعالیت های خاص والدین در این نوع از مشارکت به شرح زیر می باشد:

همه والدین می توانند در انجام تکالیف مدرسه به فرزندان خود کمک کنند.

کلاس به عنوان یک جامعه یادگیری

ویژگی های یک جامعه یادگیرنده تحت تاثیر عوامل مختلفی است (Cottrell, 2013) محیط کلاس درس را با استفاده از طبقه

بندی توصیف می کند:

الف) ویژگی های کلاس درس

ب) فرآیندهای کلاس درس

پ) ساختارهای کلاس درس.

علاوه بر اینها، تعدادی از ابعاد را شناسایی می شود که نشان دهنده جنبه هایی است که بر احساس یادگیرندگان در کلاس

درس تأثیر می گذارد:

الف) ویژگی های کلاس درس: عمومی بودن، غیر قابل پیش بینی بودن، بی واسطه بودن، همزمانی

ب) فرآیندهای کلاس درس: انتظارات، رهبری، جاذبه، هنجارها، ارتباط، منسجم



مربییانی که در ایجاد فضای خوب در کلاس موفق هستند، مهارت های روابط انسانی زیر را نشان می دهند:

الف) مهارت های ارتباطی خوب

ب) پرورش احساس اهمیت فردی

پ) پرورش حس تعلق

ت) مهارت های کار گروهی

حتی اگر یک مربی همه عناصر مختلف را درک کند و همه آنها حضور داشته باشند، باز هم این یک محیط یادگیری مثبت را تضمین نمی کند. شما باید درک کنید که توسعه چنین محیطی در مراحل انجام می شود. عناصر مختلف ذکر شده توسط نویسندگان مختلف تنها شروع به معنی دار شدن می کنند و تنها در صورتی کاربردی می شوند که در مرحله درست ایجاد جو در کلاس درس به درستی اعمال شوند.

مدیریت زمان در کلاس توسط مربی جهت بهره مند شدن از مدیریت والدین

مربیان توانایی کنترل مدیریت زمان خود را پس از کسب تجربه به دست می آورند و به تعادلی بین آموزش، درگیر کردن فراگیران و مشغول نگه داشتن آنها دست می یابند. در این امر باید مواردی را در نظر بگیرند که به شرح زیر می باشند:

الف) فرآیند اجتماعی شدن: وظیفه مربی علاوه بر تدریس و مدیریت، هدف سومی نیز دارد. بسیاری از مربیان بیشتر وقت خود را صرف آموزش یادگیرندگان می کنند که مسئولیت پذیر باشند و رفتار مناسبی داشته باشند تا آنها را برای مشارکت موفق در بزرگسالی در جامعه خود آماده کنند.

ب) اهمیت قوانین: در هر کلاس درس، مربی و فراگیران باید با یکدیگر سازگار شوند. مربی باید فراگیران را به قوانین و روال کلاس درس عادت دهد و باید به فراگیران فرصت داده شود تا در مورد نیازهای خود و نحوه عملکردشان در کلاس به مربی آموزش دهند. ایجاد روالها و قوانین مشخص به کلاس کمک می کند تا خود را اداره کند.

پ) رویکرد به مدیریت کلاس: بیشتر مربیان با آزمایش راهبردهایی که از دوران مدرسه خود به عنوان یادگیرنده به یاد دارند، یا با تقلید از راهبردهایی که گفته می شود برای سایر مربیان مؤثر بوده است، رویکرد خود را در مدیریت کلاس ایجاد می کنند. اساساً، هر مربی باید رویکردی متناسب با سبک تدریس خود بیابد یا توسعه دهد.

(Ornstein, 1990) بیان می کند که شخصیت، فلسفه و سبک تدریس مستقیماً بر رویکرد مربی به مدیریت کلاس تأثیر می گذارد. او رویکردهای مدیریت کلاس درس زیر را شناسایی می کند:

۱- رویکرد قاطعانه: مربی راه را می شناسد و فراگیران به راهنمایی نیاز دارند.

۲- رویکرد تجاری-آکادمیک: اگر فراگیران به طور کامل درگیر فعالیت های یادگیری معنادار باشند، احتمال کمتری دارد که دچار رفتارهای مخرب شوند.

۳- رویکرد اصلاح رفتار: رفتار خوب در تلاش برای اصلاح رفتار یادگیرندگان بر اساس استانداردهای قابل قبول، پاداش و رفتار بد مجازات می شود.

۴- رویکرد مدیریتی گروهی: مربیان با تقویت حس "وفاداری به گروه" در میان یادگیرندگان، می توانند احتمال رفتار مخرب را کاهش دهند.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

۵- رویکرد هدایت گروهی: رفتار غیرقابل قبول تک تک فراگیران به عنوان مظاهر یک گروه ناکارآمد دیده می شود، مشکلی که با مشاوره با کل گروه حل می شود.

۶- رویکرد پذیرش: این رویکرد مبتنی بر این باور است که رفتار نادرست یادگیرنده اغلب فریاد پذیرش است.

۷- رویکرد موفقیت: موفقیت یکی از نیازهای اساسی انسان است و نقش مهمی در ایجاد خودپنداره مثبت دارد. بنابراین، مربی باید - از طریق مدیریت موفق کلاس درس - فرصت‌ها را برای هر یادگیرنده برای تجربه موفقیت بهینه کند این رویکردها نقطه شروعی برای افکار مربی در مورد رویکرد خود به مدیریت کلاس است، با در نظر گرفتن این که هر کلاس متفاوت است و برای اطمینان از تدریس و یادگیری موفق به یک رویکرد فردی نیاز دارد.

عملکردهای مدیریت در کلاس

الف) برنامه ریزی به عنوان یک عملکرد مدیریت در کلاس درس: برنامه ریزی نقطه شروع مدیر کلاس است. این تابع (برنامه ریزی) از قبل تعیین می کند که کدام نتایج یادگیری باید در زمان مشخصی در آینده به دست آیند و چگونه به دست خواهند آمد. در این راستا سه جنبه مهم برنامه ریزی را باید ذکر کرد:

۱- برای هر حوزه آموزشی، ادارات آموزش نتایج را که در پایان یک سطح یا درجه معین به دست می آیند، از پیش تعیین می کنند. هنگام برنامه ریزی، مربی باید نسبت به این نتایج "عقب" کار کند و یادگیرندگان را به سمت دستیابی به آنها در برخی مراحل در آینده هدایت کند. در واقع، این به تقسیم برنامه یادگیری به واحدهایی خلاصه می شود که باید در هر ترم، هفته و درس مطالعه شوند.

۲- جنبه دوم برنامه ریزی شامل تصمیماتی است که باید در مورد چگونگی دستیابی به این نتایج خاص به طور موثر اتخاذ شود. این مستلزم تأمل و طراحی مؤثرترین روش‌ها، رویکردها و منابع مورد استفاده است.

۳- در وهله سوم، مربیان باید از چشم انداز آینده برنامه ریزی آگاه باشند - بین آنچه یادگیرندگان باید از قبل به آن دست یابند (حالا) و آنچه در آینده باید به آن دست یابند، ارتباط وجود دارد.

به گفته (Pretorius and Lemmer 1998) برنامه ریزی ضروری است. آنها تعدادی دستورالعمل برای برنامه ریزی مؤثر ارائه می دهند:

الف) تمام برنامه ریزی‌ها را به صورت مکتوب انجام دهید

ب) نتایج تعیین شده برای حوزه یادگیری خود را به دقت مطالعه کنید. بر نتایج مهم و خاص تمرکز کنید.

پ) برنامه ریزی خود را قبل از شروع سال تحصیلی، ترم، هفته، روز یا درسی انجام دهید.

ت) طرح باید تمام عناصر کلیدی را مشخص کند: نتایج، روش‌های جایگزین، تفکیک مقدار کاری که باید در دوره‌های مورد نیاز تکمیل شود.

ب) زمان، وسایل کمک آموزشی، روش‌های ارزشیابی و غیره.

برنامه ریزی باید سایر حوزه‌های یادگیری در همان پایه و همچنین سایر مربیانی را که در همان منطقه آموزشی تدریس می کنند، در نظر بگیرد. ذرنامه ریزی اساس وظیفه مدیریتی مربی را می گذارد، زیرا به تلاش‌های مدیریتی جهت می دهد. بدون



برنامه ریزی، همه فعالیت ها تصادفی و بدون جهت هستند. به طور کلی، برنامه ریزی مکتوب شامل انواع مختلفی از اسناد است که برای هدایت آموزش در کلاس درس ایجاد می شوند (Louisell and Descamps 1992):

- ۱- سند اول یک چارچوب حوزه یادگیری است که محتوا را در الگوهای خاص مرتب می کند، آن را به حوزه های یادگیری خاص و سطوح استاندارد اختصاص می دهد و آن را در توالی های مشخص (برنامه ریزی در سطح مدرسه) قرار می دهد.
- ۲- سند دوم حاوی رهنمودهایی برای برنامه نویسی در حوزه های مختلف یادگیری در سطوح مختلف (برنامه ریزی در سطح پایه) است.
- ۳- سند سوم، طرح درس یا برنامه یادگیری است که مربیان برنامه ریزی، تهیه و در کلاس ارائه می کنند (برنامه ریزی در سطح کلاس).

نتیجه گیری

مدیریت کلاس درس را فرآیند کار با افراد، گروه ها و منابع دیگر، چه یادگیرندگان، معلمان، کارکنان اداری، والدین یا سایر ذینفعان، برای دستیابی به اهداف کلی آموزشی و نتایج یادگیری خاص تعریف می کنند. مدیریت یک کلاس درس خواسته های زیادی را از یک مربی ایجاد می کند امروزه مدارس تحت فشار فزاینده ای برای توسعه استراتژی هایی برای تأمین مشارکت بیشتر والدین قرار دارند. والدین گزارش کرده اند که به دلیل مختلف در آموزش فرزندانشان مشارکت نمی کنند. الف) کمبود زمان، ب) احساس می کنند که چیزی برای کمک ندارند، پ) ندانستن نحوه مشارکت کردن، ت) عدم مراقبت از کودک، ث) احساس ترس، ج) در طول زمانی که مدرسه کارها را ترتیب می دهد در دسترس نباشد، د) عدم استقبال در مدرسه چهار مدل اساسی مشارکت والدین را توصیف می شود، که بطور کلی مدل اول (مدل محافظ)، مدل دوم (انتقال مدرسه به خانه)، مدل سوم (غنی سازی برنامه درسی)، مدل چهارم (مشارکت والد و مربی). براساس این چهار مدل والدین در امر آموزش مشارکت می کنند.

منابع

۱. Bauer, A. M., & Shea, T. M. (2003). Parents and schools: Creating a successful partnership for students with special needs. Prentice Hall.
۲. Cottrell, S. (2013). The study skills handbook. Macmillan International Higher Education.
۳. Department of Education. (2002). Revised national curriculum statement grades R-9 (schools). Policy: Natural Sciences, 443.
۴. Doyle, W. (1986). Classroom organization and management. Handbook of research on teaching, 3(1), 392-431.
۵. Louisell, R. D., Descamps, J., & Graves, B. (1999). Developing a teaching style: methods for elementary school teachers. The Canadian Journal of Infancy and Early Childhood, 7(4), 411.
۶. Marzano, R. J., Marzano, J. S., & Pickering, D. (2003). Classroom management that works: Research-based strategies for every teacher. ASCD.
۷. Pretorius, F., & Lemmer, E. M. (1998). South African education & training: transition in a democratic era. Hodder & Stoughton.
۸. Ramaphakela, J., & Mdhlalose, D. (2021). Examination of the Creation of a Positive Culture of Teaching and Learning through Classroom Management. Open Journal of Educational Research, 1(1), 32-40.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر



ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

۹. Rogers, B. (1998). 'You know the fair rule': strategies for making the hard job of discipline and behaviour management in school easier. Pearson Education.

۱۰. Ornstein, A. C. (1990). Institutionalized learning in America. Transaction Publishers.